

وظایف حکومت در تأمین امنیت از منظر نهج البلاغه

بهمن امینی سده* / علیرضا صابریان** / رضا کھساری***
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۶

چکیده

عمده‌ترین آرمان حکومت، توسعه، آبادانی، تعالی، مقابله با مفساد، ایجاد و گسترش رفاه عمومی می‌باشد. مقوله‌ای که دستاوردش آرامش خاطر اعضای جامعه است و این اطمینان در برابر خوف و فقدان هراس، آرمانی است که اهل فن از آن به «امنیت» تعبیر می‌کنند. ایجاد امنیت با لحاظ ارزش‌های حاکم بر نظام سیاسی از وظایف اصلی حکومت‌ها است. پژوهش توصیفی-تحلیلی پیش‌رو به دنبال احصاء و تدوین چشم انداز اندیشه علوی در تحقق امنیت با تمرکز بر حیطه وظایف حکومت، نشان می‌دهد توصیف وضعیت امن و حصول آن علاوه بر دو محور (نبود تهدید و تحقق خواسته‌های بشری) بر رکن اصلی «حصول اطمینان» به معنای تأمین امنیت در چارچوب نیازهای مادی و معنوی استوار است. این تأمین در گفتمان علوی بویژه در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی به دو شکل مواجهه رفعی و دفعی در ذیل گزاره‌های چون تأیید، رد، تنقیح و پالایش اتفاق می‌افتد. نتایج نشان می‌دهد تمامی ابعاد امنیت با یکدیگر پیوست ساختاری و شبکه‌ای دارند و در ارتباط با مؤلفه‌های سایر اقسام امنیت تحلیل می‌گردند. تدوین وظایف حاکمان در تأمین امنیت به گونه‌ای است که حیطه‌های مختلف امنیت، هم نقش علت و عامل را به عهده دارند هم می‌توان آن‌ها را معلول و ماحصل هر کدام از اقسام امنیت شمرد.

کلید واژه‌ها:

امنیت، حکومت، وظایف، نهج البلاغه.

* talabe2122@gmail.com

*. دانشجوی دکترا دانشگاه آزاد سمنان، ایران - سمنان.

** . استادیار گروه علوم قرآن و حدیث واحد سمنان دانشگاه آزاد اسلامی سمنان ایران. (نویسنده مسئول)

Ali1341ali@gmail.com

kohsari888@gmail.com

***. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث واحد سمنان دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

مقدمه

از دیرباز یکی از دغدغه‌های اساسی و از جمله نیازهای اولیه حیات اجتماعی بشر، تأمین امنیت در حوزه‌های مختلف زندگی بوده است و بسیاری از جنگ‌ها و صلح‌ها برای تأمین و حفظ امنیت رخ داده و می‌دهد اما علی‌رغم این پیشینه و مواجهه بشر از ابتدای خلقت با این موضوع و مفاهیم مرتبطی چون ابزارهای تأمین امنیت، تهدید امنیتی، ناامنی و... در اواسط قرن بیستم، مطالعات امنیتی به عنوان علمی مصرح و مدون، با وقوع حوادثی چون جنگ‌های جهانی اول و دوم، شورش‌های مردمی علیه نظام‌های حاکم، بی‌نظمی و بی‌قانونی‌ها در نظم اجتماعی و... که منجر به ایجاد ناامنی در جوامع مختلف گردیده بود، به عنوان شاخه‌ای از مطالعات استراتژیک مورد توجه و اقبال رجال سیاسی و اندیشمندان قرار گرفت. قابل توجه است که تدوین این علم و تولید ادبیات نظری آن، بیشتر منوط به اندیشمندان غربی است و سهم مسلمانان و اندیشمندان اسلامی در این حوزه بسیار اندک می‌باشد. این در حالی است که یکی از مفاهیم محوری و اساسی در مباحث اسلامی و بخصوص متن نهج البلاغه، موضوع امنیت و تأمین آن است. در این فرهنگ، امنیت تبلوری از رحمت خداوندی، یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح امامت و گزاره‌ای اساسی در برابر تهدیدات خارجی و توطئه‌های گوناگون داخلی و خارجی است. (خطبه ۳۴، نامه ۵۶۲ و حکمت ۳۳۲) در مکتب علوی به پیروی از اندیشه قرآنی، بهترین مکان‌ها و شهر و جامعه نمونه، جایی است که دارای امنیت فراگیر و جامع باشد و مردم در آن با اطمینان و آرامش و آسایش زندگی کنند. در حقیقت خوشبختی جوامع به آرامش و تأمین امنیت آنها معطوف است. (خطبه ۴۷، نامه ۵۳) لذا آنچه بدیهی می‌نماید این است که یکی از اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مقولات هر حکومتی، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاع از حقوق آنها در تمامی ابعاد زندگی و بخصوص در حوزه‌های سیاسی، نظامی، مرزی، اقتصادی و امنیت ملی و بین‌المللی و ایجاد بسترهای لازم جهت تحقق آن و مقابله با عوامل تهدید می‌باشد. در این اندیشه موضوع تأمین امنیت نه فقط با توجه و تمرکز به قدرت سیاسی، بلکه بر پایه ارزش‌ها و آرمان‌های سیاسی - اخلاقی دوگانه مادی و معنوی و با لحاظ همه مصالح عمومی - دنیوی جامعه اسلامی مورد دآوری قرار گرفته و بر الگویی از امنیت تأکید می‌شود، که با اقتدار و انسجام و وحدت و ارتباط جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد و شرط امنیت ملی را در بُعد امنیت خارجی و استحکام درونی امت اسلامی می‌داند و هر گونه دغدغه و نگرانی و ناامنی در یک بُعد را مؤثر در ابعاد دیگر می‌شمرد و هر گونه قوت و قدرت در یک حوزه را منشأ قدرت و

اقتدار در حوزه‌های دیگر می‌داند. امنیت موضوعی است که امروزه به تناسب پیشرفت‌های بشری از یک سو و تهدیدات، بی‌اخلاقی‌ها و قلدری‌ها و منفعت‌طلبی‌های برخی حکومت‌ها و قدرت‌های استعماری از سوی دیگر، ابعاد گسترده و شُعب متنوعی یافته‌است. لذا تأمین امنیت توسط هر نظامی امری معقول و مقبول است و اگر نظامی، قدرت تحقق این مهم را نداشته‌باشد، تحقق اهداف نیز در آن نظام میسر نمی‌شود. بنابراین بازبینی و تفحص مقوله امنیت و در صورت نیاز سیاست‌گذاری، فرهنگ‌سازی و ایجاد و پالایش زیرساخت‌های اعتقادی و ارزشی برای نسل جدید در هر نظام سیاسی سرلوحه اهداف آن نظام قرار دارد. موضوعی که پژوهشگران به بررسی ابعاد مختلفی از آن تحت عناوینی چون انواع امنیت و یا مشخصه‌های حکومت مطلوب دینی همت گمارده‌اند. از جمله مرتبط‌ترین این آثار با تحقیق پیش‌رو، پژوهشی از سیده مرضیه محمدپور (۱۳۹۱) است. ایشان در پایان‌نامه خود با عنوان «مؤلفه‌های قدرت در نهج‌البلاغه و نقش آن در امنیت حکومت اسلامی» به ارزیابی مفاهیم مرتبط با امنیت پرداخته‌است. نگارنده با در نظر داشتن دیدگاه‌های موجود در زمینه دو مفهوم «قدرت» و «امنیت» تلاش نموده‌است تا با بررسی آراء و اندیشه‌های امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه، الگوی ویژه‌ای را از رابطه میان این دو مفهوم در سطح حکومت اسلامی ارائه نماید. نویسنده در نتیجه‌گیری با استمداد از الگوی «سلبی» و «ایجابی» امنیت، گونه‌بندی دقیقی از چگونگی اثرگذاری مؤلفه‌های قدرت بر امنیت حکومت اسلامی از منظر نهج‌البلاغه ارائه نموده‌است. رضاعلی تقی زاده چاری (۱۴۰۲) نیز در مقاله «امنیت از نگاه امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه با تأکید بر ابعاد راهبردی آن در امر حکومت» دیدگاه امام علی علیه السلام به مقوله امنیت را مورد کنکاش قرار داده و وجهی از وجوه امتیاز این نگاه را با برخی از نگاه‌های نظریه پردازان در علم سیاست در ترازوی سنجش قرار داده‌است. ایشان معتقدند امنیت در گزاره‌های علوی را باید در دو ساحت معنوی (فردی) و راهبردی اجتماعی و عمومی و به صورت امری توأمان و با تقدم ذاتی و حقیقی امنیت معنوی مورد توجه قرار داد؛ ایشان ضمن برشمردن مؤلفه‌های امنیت فردی هم‌چون خداباوری و اسلام به معرفی برخی اصول راهبردی بسترساز امنیت اجتماعی نظیر وحدت و همدلی آحاد جامعه، صلح و آشتی با بیگانان و... اشاره می‌کند. مصطفی اسماعیلی (۱۳۹۷) نیز در رساله دکتری خود به نام «چارچوب مفهومی امنیت در سیره معصومین علیهم السلام» با تأکید بر کتب اربعه شیعه، این فرضیه را بررسی می‌کند که «امنیت در اسلام شامل انواع امنیت مادی و معنوی؛ فردی و اجتماعی؛ و داخلی و خارجی می‌شود و هر کدام از این سطوح و ابعاد با همدیگر در



ارتباط متقابل هستند و بین امنیت و مؤلفه‌هایی نظیر ارتداد، فتنه داخلی، بغی و خروج، قطع طریق و نفاق، رابطه منفی وجود دارد. طبق نتایج حاصله، چارچوب مفهومی امنیت در اسلام مبتنی بر اصول خاصی است که آن را از مکاتب دیگر متمایز می‌کند. مؤلف نتیجه می‌گیرد امنیت در اسلام گستره وسیعی را در بر می‌گیرد که شامل سطح مادی- معنوی و فردی- اجتماعی می‌شود. ایشان در مجموع روابط بین این عناصر را در سه نوع خلاصه می‌کند: ارتباط متقابل، تأثیرپذیری و زیرمجموعه. در مقاله «امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه» از اسماعیل خان احمدی (۱۳۹۱) با تمرکز بر مبانی، چارچوب و اصول امنیت در نظام سیاسی اسلام، ضمن اشاره به شاخص‌های ارزش‌های بنیادین در حوزه امنیت هم‌چون: اسلامی بودن، حرکت بر محور ولایت، اتکا به آرای عمومی، استقلال و... به آرمان‌های آن اشاره می‌نماید. نویسنده در نهایت مختصراً به موضوع ابعاد امنیت پایدار و مواردی چون: قدرت، حاکمیت و حکومت، جنگ صلح و مواردی چون امنیت اجتماعی، اقتصادی و... پرداخته است که به دو مورد اخیر در حد تعریف و توصیف این نوع امنیت از منظر امام علیه السلام بسنده نموده‌است.

با توجه به نقش حاکمیت در بسترسازی امنیت داخلی و هم‌چنین اهمیت امنیت در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و برون مرزی و همبستگی این موارد در گزاره‌های علوی و هجمه بیگانگان به این حوزه‌های امنیتی در جامعه کنونی ما، پژوهش فوق در نظر دارد با نگاهی موشکافانه و قلمی نو یا تکیه بر متن نهج البلاغه، به این سوال مهم و اساسی پاسخ دهد که امام علی علیه السلام به عنوان حاکمی که در دوران حکومت خویش با گونه‌های مختلفی از تهدیدات امنیتی توسط اقشار مختلف مواجه بوده‌است در راستای تأمین امنیت همه جانبه در حوزه‌های مورد نظر این مقاله چه رویه و عملکردهایی را در حیطه وظایف حکومت پیشنهاد و تعیین می‌کند؟ با توجه به نمونه پژوهش‌های معرفی شده و جستجوی پژوهشگران، تحقیقی که به صورت مستقل و با هدف تبیین وظایف حکومت بر موضوع تأمین امنیت و مقابله با تهدیدات امنیتی در ابعاد مختلف درونی و بیرونی و تبیین و شناسایی مفاسد بسترساز و آسیب رسان به حوزه‌های امنیتی مذکور با رویکرد مورد نظر محققان این اثر که جنبه بدیع بودن این اثر نیز تلقی می‌گردد، تمرکز داشته‌باشد و یا اطلاعات کاملی درباره موضوع ارائه دهد، شناسایی نگردید.

مفهوم حکومت

حکومت (government) از ریشه لاتین gubernator و gubernatio به معنی راننده و راندن مشتق گردیده‌است. (وینسنت، ۱۳۷۶، ص ۵۵) اهل لغت، واژه حکومت را از ماده «حَكَمَ» به معنای (منع)

هرگونه ممانعت و مراقبتی و به رفع «حُکم» هرگونه قضاوت و تعیین باید و نبایدی ذکر نموده‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ افریقی مصری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۴۱؛ احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۱) بنابراین بر اساس معانی لغوی واژه حکومت می‌توان چنین نتیجه گرفت که حکومت عبارت است از نوعی نظارت و مراقبت در جهت مصالح مردم و جلوگیری از تجاوز و برتری طلبی در جامعه و به عبارتی برقراری تعادل در جامعه. این واژه از جمله مفاهیم پر کاربرد و کلیدی حقوقی و سیاسی است. که از منظر ایشان حکومت عبارت است از: پیوند بین رعایا و هیأت حاکمه که آنان را به یکدیگر مربوط می‌سازد و عهده‌دار حفظ قانون، آزادی مدنی و سیاسی می‌باشد. (ژان ژاک روسو، ۱۳۹۹، ص ۶۹)

مفهوم امنیت

امنیت، ضد خوف (افریقی مصری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۲۱) و به معنای ایمنی، در امان بودن، آرامش خاطر و آسودگی (الزبیدی، بی تا)، ج ۱۸، ص ۲۳؛ معین، ۱۳۸۶، ص ۲۴۷)، سلامت و عافیت و بیم نداشتن و از بین رفتن هراس و نگرانی می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰) بر اساس نگاه افراد به مراجع، ریشه‌ها و خاستگاه‌های امنیت و نهایتاً به دلیل نسبی بودن امنیت، تعریف اصطلاحی واحدی از این واژه وجود ندارد با این وجود، عنصر اصلی‌ای که تقریباً در همه تعاریف اصطلاحی امنیت مشاهده می‌شود: توجه به ارزش‌ها و اطمینان در برابر تهدیدات یا خطرات است. از باب نمونه در فرهنگ سیاسی مهم‌ترین عنصری که برای امنیت منظور می‌کنند، فقدان تهدید است. البته چون فقدان تهدید به‌طور مطلق و تمام دست نیافتنی است، «به حداقل رساندن تهدید» را در مفهوم امنیت کافی دانسته‌اند. (امام جمعه زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷) آرنولد و لفرز^۱ نیز در تعریف امنیت می‌گوید: معیار امنیت به لحاظ عینی فقدان تهدید در قبال ارزش‌های اکتسابی است و از لحاظ تجربیدی، نبود ترس از این که چنین ارزش‌هایی مورد هجوم قرار گیرند. (بلیس، استیو، ۱۳۸۳، ص ۵۷۲) و یا به طور خلاصه آنچه از تعاریف مختلفی که بوزان در اثر خویش از امنیت بیان می‌دارد چنین بدست می‌آید که: امنیت، رهایی از تهدید به خصوص، جنگ و توانایی مقابله با متجاوز و توان صیانت و حفظ از وضع موجود، موجودیت سیاسی، منافع ملی، رفاه آتی، ارزش‌های حیاتی ملی و راه و روش زندگی متعارف می‌باشد. (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۲۱-۳۱)

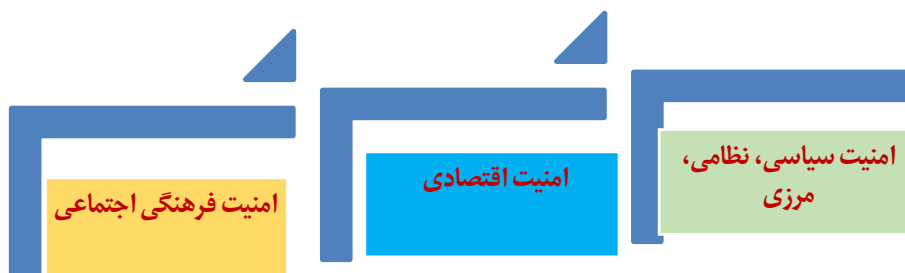


1. Arnold Wolfers

وظایف حکومت در تأمین امنیت

امنیت، اساسی‌ترین نیاز بشر است و تأمین آن نخستین وظیفه حکومت‌هاست. تصدیق این گزاره، نیازی به تأمل و مجادله ندارد و در ادبیات سیاسی و جامعه‌شناختی معاصر، از بدیهی‌ترین اصول، شناخته می‌شود. البته بدیهی بودن یک مفهوم، ملازمه‌ای با اتفاق نظر در همه جوانب مربوط به آن ندارد و اهمیت این مفهوم با تعریف مورد اجماع از آن پیوند نخورده است. امنیت، سنگ زبربنای حیات فرد و جامعه است و پیش شرط هر گونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی محسوب می‌شود که بخش گسترده‌ای از این مهم بر عهده حکومت نهاده شده است. از بیان امام علی علیه السلام در مورد ضرورت حکومت این معنا به خوبی استفاده می‌شود. حضرت در پاسخ به شبهه خوارج که می‌گفتند «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» فرمود: «فَإِنَّهُ لَا يَدُّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، يَعْمَلُ فِي أَمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ، وَ يَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ، وَ يُبَلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ، وَ يُجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ، وَ يُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ، وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ، وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ، حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ، وَ يُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ.» (خطبه ۴۰) آنچه از متن این سخن برداشت می‌شود این است که حکومت در اسلام هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است برای اجرای احکام و قوانین و تأمین اهداف عالی آن، که این مهم قطعاً بدون تأسیس سازمان سیاسی امکان‌پذیر نیست. بنابراین عمده‌ترین دغدغه و هدف حکومت، توسعه، آبادانی و رشد و پیشرفت همراه با سالم‌سازی فعالیت‌ها، مقابله با انواع مفسدات، ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی و رفاه عمومی است مقوله‌ای که برآورد و دستاورد آن آرامش خاطر و آسودگی اعضای جامعه و نهایتاً تأمین امنیت آنان است. از جمله مهم‌ترین ابعاد تأمین امنیت در مقابل انواع تهدیدات داخلی و خارجی که در مکتب علوی به صورت یک تکلیف، حکومت موظف به بسترسازی و تأمین آن است شامل موارد ذیل می‌باشد:

نمودار (۱) انواع امنیت



۱. امنیت فرهنگی اجتماعی

از منظر گزاره‌های علوی، پاسداشت و حفظ سنت‌های نیکو و اسلامی، نفی سنت‌ها و فرهنگ جاهلی و مقابله با تهاجمات فرهنگی و بدعت‌ها و به طور کلی حفظ فرهنگ، ارزش‌های اخلاقی و دینی و ایمانی، الگوهای سنتی، هویت و عرف ملی از الزامات و واجبات اساسی امنیت فرهنگی اجتماعی و یکی از وظایف متولیان و حاکمان اسلامی است و موجب حفظ هویت و فرهنگ جامعه شده و مانع نفوذ فرهنگ‌های بیگانه می‌گردد موضوعی که در نهایت امنیت فرهنگی جامعه را رقم می‌زند. منظور از امنیت فرهنگی اجتماعی، احساس آرامش و فقدان هرگونه تهدید و تعرض نسبت به اعتقادات، باورها، به جا آوردن آزادانه عبادات و مناسک مذهبی، تداوم و ماندگاری ارزش‌های اخلاقی، آداب و رسوم، و حفظ و بقاء هویت یک ملت، تحت شرایط مقبول، جهت تحول و تکامل فرهنگی و اجتماعی است. (بابالیان، ۱۳۹۳، ص ۲۵) این مهم از نامه حضرت علی علیه السلام به فرماندارش؛ مالک اشتر قابل دریافت است آنجا که مالک اشتر را به عدم تصدیع و بلکه تأیید و حفظ آداب و سنن پسندیده‌ای که بزرگان این امت بدان عمل کرده‌اند موظف می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ج ۱۰، ص ۴۳۹) سنی که در راستای مصالح واقعی مردم بوده و با مقاصد و اهداف اسلام، سازگار است. «وَلَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأَلْفَةُ، وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ. وَلَا تُحَدِّثَنَّ سُنَّةَ تَضُرُّ بِشَيْءٍ مِنْ مَاضِي تِلْكَ السَّنَنِ، فَيَكُونَ الْأَجْرُ لِمَنْ سَنَّهَا، وَالْوِزْرُ عَلَيْكَ بِمَا تَقَضَّتْ مِنْهَا» (نامه ۵۳) امام علی علیه السلام معتقدند تا جایی که این آداب و رسوم، مخالف شرع نباشد، پاسداشت آن منجر به تأمین امنیت خواهد شد. (حکمت ۴۰۱)

در مقابل، بررسی متن نهج البلاغه بخصوص مواردی که آیین ایجاد تحول فرهنگی اجتماعی را آموزش می‌دهد حاکی از آن است که حضرت علی علیه السلام با ورود به این عرصه در برخورد با سنت‌هایی که موجب رواج جهل، خرافات و گمراهی باشد، آنها را بدون هیچ‌گونه اغماضی ردّ و ابطال نموده و آنچه از فرهنگ‌های سالم به خرافات و موارد مشابه، آلوده شده باشد را تنقیح، تهذیب و پالایش می‌کند. نمونه‌های فراوانی از این دست با رویکردهای مذکور در مسائلی چون پذیرش و تأیید رابطه خونی و همبستگی قومی، ضمن ردّ تعصبات قومی و نژادی، ردّ تقلید کورکورانه، استبداد و استیثار و.. در (خطبه ۲، خطبه ۳۰، خطبه ۱۹۱، نامه ۳۳، حکمت ۱۳۴) مطرح می‌شود. هم‌چنین بخصوص وقایعی که در دوره خلفا در اثر فتوحات پی در پی و غنائم بی حساب و نبودن برنامه مناسب جهت بهره برداری



از آن ثروت‌های هنگفت و مخصوصا برقراری «اریستوکراسی و حکومت اشرافی» و بلکه قبیله‌ای؛ انواع فسادها، دنیاپرستی، تنعم، تجمل، کامجویی و انواع عصبیت‌های قبیله‌ای از نو جان گرفته‌بود و در میان مسلمین راه یافت. امام علی علیه السلام به دنبال احساس این خطر عظیم فرهنگی اجتماعی در مقابل چنین فرهنگی‌هایی در مواضع مختلف به شدت موضع می‌گیرد. چنانکه حداقل ۲۵ مورد از نامه‌های نهج‌البلاغه تماما موعظه (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳-۱۹۴) و شامل جهت‌گیری‌ها و دلالت‌های آن حضرت علیه السلام در مقابل انحرافات فرهنگی اجتماعی است. (نامه ۴۵، ۴۹، ۵۴، ۵۵، ۶۷، ۶۸ و...) قابل توجه است که گاهی چنین سنن یا بدعت‌هایی، ناامنی فرهنگی ایجاد می‌کند، آفتی که می‌تواند راه پیشرفت، تعالی و ترقی ملت‌ها را کند و یا محدود سازد. علاوه بر آن، آنچه توجه به این مهم را برجسته‌تر می‌سازد و امنیت فرهنگی را در معرض خطر جدی‌تری قرار می‌دهد هجمه‌های همه جانبه و عامدانه فرهنگی بیگانگان به ارزش‌ها، باورها و اصول و رسوم اخلاقی یک جامعه با هدف نفی هویت فرهنگی و ملی کشور مورد هجوم، برای برقرار کردن سلطه فکری و فرهنگی از طریق تغییر باورها، و آداب و رسوم زندگی فردی و اجتماعی آن جامعه، منطبق با الگوهای فرهنگ مهاجم است. (باب‌الایان، ۱۳۹۳، ص ۳۹-۴۰) به فرموده خداوند، یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت، دفاع از فرهنگ اسلامی بدون هیچ‌گونه اغمازی در مقابله با تهاجمات اندیشه‌ها و فرهنگ‌های مخرب، عقائد باطل و سنت‌های دست و پاگیر جاهلی است. (قرآن کریم ۱۵۷:۷)، امام علی علیه السلام نیز پیرو این مطلب در شرح وظایف حاکم، خطاب به فرماندارش می‌فرماید: (به یقین امام و پیشوا جز وظایفی که به امر خداوند بر عهده او نهاده شده، وظیفه‌ای ندارد؛ یعنی ابلاغ مواعظ به همه مردم و تلاش و کوشش در خیرخواهی در تمام زمینه‌ها، احیا و زنده کردن سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اجرای تمام قوانین الهی و اجرای حدود الهی نسبت به تمام مستحقین، بدون تبعیض و بی‌کم و کاست، و احقاق حقوق و پرداختن سهم همگان از بیت المال) (نامه ۵۳) هم‌چنین در نامه ۳۳ نهج‌البلاغه آمده است زمانی که حضرت علی علیه السلام مطلع شد که معاویه گروهی از اهل شام را از طریق تاکتیک پخش شایعات دروغین و سم‌پاشی بر ضد حاکم اسلامی؛ علی علیه السلام در ایام حج به مکه گسیل داشته، تا در موسم حج، اذهان مردم را متشتت نمایند و امنیت فرهنگی مردم را سلب کنند، نامه‌ای با هدف روشنگری و ایجاد هوشیاری و زدودن اوهام باطل و نهایتاً خنثی ساختن این حرکت و نقشه معاویه به فرماندارش؛ «قثم بن عب» در مکه نگاشت. آن حضرت علیه السلام به فرماندارش دستور می‌دهد که در برابر این توطئه خطرناک

فرهنگی کاملاً هوشیار باشد و کاری نکند که بعداً بخواهد از آن عذرخواهی نماید. امیرالمومنین علی علیه السلام در این نامه می‌کوشد با آگاهی بخشی و روشنگری، برخی عوامل استحاله فرهنگی را به کارگزار خود بشناساند و مخاطب را از ارتکاب آن باز دارد. بر مبنای عملکرد امام علی علیه السلام در نامه‌های فوق، حاکمان جهت عملی ساختن چنین وظیفه‌ای باید به دو نکته بسیار حیاتی و حائز اهمیت توجه نمایند:

۱. شناسایی موضوعات و مسائل مورد تهاجم

۲. شناسایی ابزار تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن

علاوه بر آنچه گفته شد یکی از گزینه‌هایی که به طور قطع، مقابله با تهدیدات فرهنگی داخلی و خارجی و انجام این رسالت را به عهده حکومت محول می‌سازد بحث ضرورت تضمین اجرای این احکام است. بدین معنا که مبارزه با تهاجمات فرهنگی، مسائل غیر اخلاقی و منافی عفت عمومی، اقتضا می‌کند سرپرست و حاکمی مقتدر در راس امور قرار داشته و افراد خاطی را با ابزار مختلف از تعدی و ورود به امور ممنوعه باز دارد. یکی از این ابزار، امر به معروف و نهی از منکر و در نظر گرفتن شرایط و جوب آن است. این روش، نوعی محافظت و مصونیت از استحاله فرهنگی است و موجب ناامیدی دشمنان می‌شود. (قرآن کریم ۴۱: ۲۲، قرآن کریم ۴۴: ۵-۴۹) و به صریح آیات قرآن یکی از وظایف مهم رهبران و حاکمان جوامع، معرفی شده است (قرآن کریم ۹۰: ۱۶، قرآن کریم ۲۰۵: ۲، قرآن کریم ۴۱: ۲۲، قرآن کریم ۵۳: ۳۳، قرآن کریم ۱۵۷: ۷، قرآن کریم ۷۱: ۹) چنان‌که امام علی علیه السلام نیز یکی از مهم‌ترین دلایلش بابت پذیرش خلافت و حکومت را ضرورت انجام این مسئولیت و پیشگیری از ضررهای تعطیلی این مهم در عرصه اجتماع بر می‌شمرد و می‌فرماید: سوگند به کسی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده، که اگر خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمکاران و گرسنگی ستم‌کشان خاموشی نگزینند، افسار خلافت را بر گردنش می‌افکندم و رهایش می‌کردم و در پایان با آن همان می‌کردم که در آغاز کرده بودم (خطبه ۳) لذا حکومت موظف است از هر گزینه‌ای که تهدیدی علیه این امنیت و ملغی‌کننده ارزش‌ها و احکام مربوط به عفت و سلامت عمومی جامعه و سبب گسترش فحشا و منکرات است در گام نخست پیشگیری نموده و در صورت ابتلا جامعه بدان، با رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر، اجتماع را از این آسیب و تهدید نجات دهد. با توجه به این تأثیر گسترده و مهم، حضرت علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به امام مجتبی علیه السلام به

عنوان امام و رهبر بعد از خویش، همواره سفارش می‌کند در احیای این وظیفه خطیر کوشا باشد و دغدغه ارشاد و هدایت دیگران را داشته‌باشد.

۲. تأمین امنیت اقتصادی

فراهم آوردن لوازم رفاه و آسایش عمومی مردم، تحقق کفاف و توسعه امور مادی در زندگی همه افراد و به عبارتی تأمین و توسعه اقتصادی، عملکردی است که به واسطه آن نیاز اقشار و توده‌های مختلف برآورده گردیده و نیازمندی در جامعه باقی نخواهد ماند. (حکیمی ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۲۷۱) بدین سبب خداوند از مال به خیر، امداد الهی و فضل یاد می‌کند (قرآن کریم ۲: ۲۱۵، قرآن کریم ۷۱: ۱۲، قرآن کریم ۴: ۳۷) در مقابل این موضوع، پدیده فقر اقتصادی مطرح است که از منظر امام علی علیه السلام پیامدها و خطرات فراوانی چون آسیب‌های مختلف فرهنگی «إِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ» (حکمت ۳۱۹) بی‌بندوباری و انحرافات اخلاقی «الْعُسْرُ يَشِينُ الْأَخْلَاقَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۶۵) غربت، انزوا و خواری (حکمت ۳) و انواع فساد اداری ... را ایجاد می‌کند. لذا امام علیه السلام یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های دولت را، تأمین رفاهت و بهبود معیشت افراد و برپایی امنیت اقتصادی و توسعه اقتصادی در بین اقشار مختلف جامعه می‌داند و فرماندارش را ملزم به تأمین نیازها و بهبود معیشت زبردستانش می‌کند تا بدین طریق، اصلاح در جامعه اتفاق افتد. «ثُمَّ أَسْبَغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ» (نامه ۵۳)

تحقق امنیت اقتصادی راهکارهای ویژه‌ای دارد که بعضاً روند اجرای آن را نیز به وجود می‌آورد. در مبحث پیش‌رو به برجسته‌ترین و مهم‌ترین این موارد که در حیطه وظایف و مسئولیت‌های حکومت‌ها تعیین شده است، اشاره می‌گردد.

۱. تدوین و برنامه‌ریزی و ایجاد راهبردهای دقیق و عملیاتی

یکی از الزمات و ضروریات توسعه اقتصادی به نحوی که بتواند امور را به بهترین نحو سازماندهی نموده و به امنیت اقتصادی ختم گردد تدوین برنامه‌ها و روش‌های علمی و دقیق و بر پایه نگرش صحیح نسبت به موقعیت کشور و لحاظ منابع، نیازها، امکانات و توانایی‌های آن حکومت است. از منظر علی علیه السلام بررسی جوانب موضوع و برنامه‌ریزی برای آن قبل از انجام کار، اهداف را روشن‌تر ساخته، مانع تألم روحی و اتلاف وقت «التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ» (ابن بابویه القمی، ۱۴۰۰،

۴۴۷ ؛ کراچی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۶۷) و باعث افزایش بهره‌وری، تسریع و تسهیل امور می‌گردد. (نامه ۴۷) در پیاده ساختن و عملی کردن این شیوه و سبک و سلوک حکومتی، و نتایج عینی آن، امام علی علیه السلام در توصیفی اوضاع مردم در زمان حکومتش را از نظر رفاه عمومی و تأمین کرامت‌منشانه و شرافت‌مندانه به تصویر می‌کشد. «ما أصبح بالكوفة أحد إلا ناعما، إن أدناهم منزلة لياكل البرّ و يجلس في الظلّ و يشرب من ماء الفرات.» (محمد بن علی بن شهر آشوب، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۳۲۷)

۲. افزایش اثربخشی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف

یکی از مسئولیت‌ها و وظایف مهم دولت، تمرکز بر این سه حوزه و ارائه راهکارهای عملیاتی جهت بهره‌وری هر چه بیشتر جامعه در مباحث اقتصادی در سه حوزه مذکور می‌باشد.

الف: وظایف دولت در حوزه تولید

ایجاد و پرورش روحیه کار و تلاش در جامعه و فرهنگ سازی با به کارگیری تمامی امکانات در جهت کاستن از روحیه سستی و تنبلی، لازمه یک جامعه پویا و خواهان پیشرفت است. لذا امیرالمؤمنین همگان را به کار و تلاش فرا می‌خواند (خطبه ۲۳۰) ایشان با رفتار و عملکرد خویش به کار، فعالیت و تلاش بها داده و سعی بر فرهنگ سازی این امر بخصوص در بخش کشاورزی و استفاده از خاک و آب‌های مختلف و موارد مشابه در بین مردم داشته‌اند. آن حضرت علیه السلام، آب و خاک را سرمایه معرفی کرده و می‌فرماید: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تُرَابًا ثُمَّ افْتَتَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۱۹) بدین مفهوم که آب و خاک، ابزار و آلات تولیدند و ملت‌ها باید به واسطه کشاورزی و بهره‌وری از چنین امکاناتی، خلاء اقتصادی خود را پر نمایند و اگر از این موهبت الهی بهره نبرند ملتی دور از رحمت خدا خواهند بود.

ب: وظایف دولت در حوزه توزیع

از جمله وظایف دولت، مدیریت توزیع محصولات و خدمات است. سیاست امام علی علیه السلام در زمینه اقتصاد، بر مبنای توزیع عادلانه است. زیرا در غیر این صورت، گروهی، گروه دیگر را به بردگی می‌کشد و انسان مستثمر انسان می‌گردد. این سیاستی است که امام علی علیه السلام بکار برده است تا کرامت انسانی حفظ و انسان در استثمار قدرتمندان بزرگ قرار نگیرد. (یادنامه دومین کنگره





نهج البلاغه، ۱۳۶۳، ص ۲۱۰) اما به طور کلی منظور از این مدیریت، بهره‌مندی حداکثری همه اقشار جامعه از منابع و جلوگیری از ورود کالا و خدمات غیر استاندارد در چرخه توزیع می‌باشد. حضرت علی علیه السلام در ارائه مبنایی دقیق و مناسب در زمینه نظام عادلانه توزیع، مجریان را موظف به رعایت مصالح و منافع طرفین می‌کند «لَيْكُنِ الْبَيْعُ تَيْعاً سَمِحاً بِمَوَازِينِ عَدْلِ وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُتَبَاعِ» (نامه ۵۳)

بخشی دیگر از مدیریت توزیع مربوط به توزیع درآمد است که بیشتر به وسیله ابزار مالیات مدیریت می‌شود و مقصود از آن، تأمین عدالت اقتصادی و توزیع ثروت و تعدیل فواصل طبقاتی و جلوگیری از تمرکز ثروت و اندوخته‌های بی‌حد و رکود، کساد و فساد اقتصادی می‌باشد. در این میان استفاده از گزینه «اخذ مالیات» و به کارگیری سیاست‌های مالیاتی مناسب بسیار کارساز خواهد بود. بر این مبنا علی علیه السلام و الیان و زمامداران را به اخذ مالیات، آن هم به شیوه‌ای کریمانه مانند رفق و مدارا در گرفتن خراج و لزوم توجه به بهبود وضع خراج‌گزاران سفارش کرده و از تندخویی و بکار بردن زور و اجبار در اخذ مالیات برحذر می‌دارد. (نامه ۵۱، ۷۱؛ ابویوسف، ۱۳۰۲، ج ۱، ص ۴۹-۵۰؛ ابوعبیده، قاسم بن سلام، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۵۸-۵۳) چنان‌که در زمان سپردن ولایت مصر به مالک اشتر می‌فرماید: «وَلَا تَبِيعَنَّ لِلنَّاسِ فِي الْخَرَاجِ كِسْوَةَ شِتَاءٍ وَلَا صَيْفٍ وَلَا دَابَّةً يَعْتَمِلُونَ عَلَيْهَا وَلَا عَبْدًا...» (نامه ۵۳) حضرت علی علیه السلام در ضمن این نامه می‌فرماید: «وَلَا تَضْرِبَنَّ أَحَدًا سَوْطًا لِمَكَانِ دِرْهِمٍ وَلَا تَمْسَنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُصَلًّا وَلَا مُعَاهِدًا... وَلَا تَدْخِرُوا أَنْفُسَكُمْ نَصِيحَةً وَ لَا الْجُنْدَ حُسْنَ سِيرَةٍ وَ لَا الرَّعِيَّةَ مَعُونَةً وَ لَا دِينَ اللَّهِ قُوَّةً»

علاوه بر گزینه مالیات، خمس و زکات و انفاق‌های مردم نیز جزء گزینه‌هایی هستند که می‌تواند برای دولت کارکرد مشابه داشته و از آنها جهت حمایت و تأمین اقتصادی و توزیع ثروت و کاهش شکاف طبقاتی و توسعه امورات مستمندان، فقرا و نیازمندان، بیماران خاص و... استفاده شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز با توجه به نقش صدقات و زکات در چرخه اقتصادی و تأمین رفاه مردم، علت گرسنگی فقیران و مستمندان را بی‌تفاوتی اغنیا برشمرده و می‌فرماید:

«فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى جَدُّهُ سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ» (قمی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳،

ص ۴۷۴؛ نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸)

در واقع، عمده‌ترین اهداف مرتبط با انفاق و صدقات عبارتند از:

- تعدیل ثروت‌ها

- رفع شکاف طبقاتی

این موارد بستری‌هایی هستند که در راه‌گشایی و توسعه اقتصادی و رفع چهره فقر از جوامع اسلامی می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند.

ج: وظایف دولت در حوزه مصرف

در حوزه مصرف نیز دولت، نقش مهمی در تأمین امنیت اقتصادی ایفا می‌کند با این توضیح که دولت در برخی موارد همانند مصارف برق، گاز و حامل‌های انرژی یکی از بزرگترین مصرف‌کننده‌ها می‌باشد. لذا با کنترل مصرف خود می‌تواند گامی موثر در بهینه‌سازی مصرف ایجاد کند. هم‌چنین، دولت در جایگاه برنامه‌ریزی، تبلیغات و فرهنگ‌سازی و ایجاد زیرساخت‌ها نیز می‌تواند نقش کارآمد دیگری در توسعه اقتصادی ایفا نماید. امام علی علیه السلام به عنوان نمونه عینی حاکم اسلامی و سرمشقی ارزنده برای تمامی دولت‌مندان در راستای بهینه‌سازی مصرف، خود و کلیه کارگزاران‌شان را به استفاده صحیح و اصولی از امکانات بیت‌المال مقید می‌نمودند. در روایتی با تصویر کشیدن سیره عملی امام علی علیه السلام چنین آمده است که (شبی عمروعاص بر حضرت علی علیه السلام که در بیت المال حضور داشتند وارد شد، امام علیه السلام چراغ را خاموش کرد و در نور ماه نشست، و روا داشت که بی‌جهت از چراغ بیت المال استفاده نماید. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۱۰)

۳. پیشگیری و مبارزه با مفاسد اقتصادی

فساد اقتصادی زمانی اتفاق می‌افتد که مال از موضع قوامی و حدود طبیعی خود خارج شود، چنین فسادی سبب نابودی و تباهی فرد و اجتماع خواهد شد، (حکیمی ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۱۸) لذا هرآنچه که اقتصاد یک جامعه را تهدید کند و مانع سود پاک اقتصادی شود از جمله مفاسد اقتصادی است و یکی از مهم‌ترین موانع تأمین امنیت اقتصادی جوامع محسوب می‌گردد. به واسطه حجم گسترده و شعبات مختلف این موضوع در نهج‌البلاغه، مرتبط‌ترین موارد فوق که مقابله با آن در حیطه وظایف حکومت‌ها تعیین شده است در جدول ارائه می‌گردد.

جدول (۱) وظایف حکومت در مقابله با مفاسد اقتصادی

مفهوم	مستندات
راهبردهای پیشگیرانه	
<p>ضرورت اقدامات گزینشی بیش از سپردن هرگونه مسئولیت به افراد</p>	<p>- «وَلَا تَأْمَنَنَّ عَلَيْهَا إِلَّا مَنْ تَتَّقُ بِدِينِهِ رَافِقًا بِمَالِ الْمُسْلِمِينَ» (نامه ۲۵) - «وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَ الْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ...» (نامه ۵۳) - «ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِيارًا» (نامه ۵۳)</p>
<p>ضرورت تأمین نیازها و توسع رزق بر کارگزاران و صاحبان مسئولیت‌های حساس</p>	<p>- «ثُمَّ اسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غِيٍّ لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ وَ حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّوْا أَمَّا تَتَّكَ» (نامه ۵۳) - در مورد مسئولین قضایی: «وَ افسَحْ لَهُ فِي التَّبَدُّلِ مَا يُرِيدُ عَلَيْهِ وَ تَقَلُّ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى النَّاسِ»</p>
<p>- هشدارها، هادی و راهنمای مسئولین و عامل بازداشتن آنان از ارتکاب به تخلفات</p>	<p>هشدار و ارشاد در پیامدهای عدم رعایت ساده زیستی طرف مسئولین (نامه ۴۵)، هشدار در مورد خیانت به بیت المال (نامه ۲۰ و نامه ۲۶)، دقت در استفاده از بیت المال (نامه ۶۷)، اسراف کاری (نامه ۲۱)، منع رانت خواری و امتیاز خواهی (نامه ۵۳ و ۵۰ و ۵۱)، رشوه خواری (نامه ۷۹)، عدم بازداشتن مردم از نیازهای خود (نامه ۵۱، نامه ۵۳)</p>
<p>آموزش صحیح مسائل اقتصادی و مالی</p>	<p>- «يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَ» صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۱۹۵ - «انْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَيْلًا بِالْكَوْفَةِ عِنْدَكُمْ يَغْتَدِي كُلَّ يَوْمٍ بُكْرَةً مِنَ الْقَصْرِ، فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكَوْفَةِ ... فَيَقُولُ لَيْلًا: قَدِّمُوا الْإِسْتِخَارَةَ، وَتَرَكُوا بِالشُّهُولَةِ، وَاقْتَرَبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ، .. وَجَانِبُوا الْكُذِبَ، وَتَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ، وَأَنْصِبُوا الْمَظْلُومِينَ، وَلَا تَقْرُبُوا الرِّبَا، وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ...» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۵۱، طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۶)</p>





نظارت مستقیم و مستمر در حین انجام مسئولیت	
نظارت بر عملکرد مسئولین به صورت غیرمحسوس و به کارگیری مأموران مخفی	« وَ ابْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حُدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ وَ... » (نامه ۵۳)
نظارت مستمر و مستقیم مسئولین بر نیروهای تحت امرشان نظارت مستقیم بر بازارهای مالی - توجه به گزارش‌های مردمی	- « وَ تَحَفَّظْ مِنَ الْأَعْوَانِ... » (نامه ۲۵) - درخواست ارائه صورت وضعیت حسابها از سوی کارگزاران (نامه ۴۱) - «إِلَى الْمُنْذِرِ بْنِ الْجَارُودِ الْعَبْدِيِّ وَ قَدْ خَانَ فِي بَعْضِ مَا وُلَّاهُ مِنْ أَعْمَالِهِ... فَإِذَا أَنْتَ فِيمَا رُفِّيَ إِلَيَّ عَنكَ لِاتِّدَاعِ لَهْوَاكَ انْقِيَادًا... فَأَقْبِلْ إِلَيَّ حِينَ يَصِلُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا» (نامه ۷۱) - سیستم (بیت القصص) (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۷، ج ۱۷، ص ۸۷)
مواجهه با تخلفات مسئولان بعد از وقوع جرائم اقتصادی	
ارشاد و تنبیها کلامی، ضرورت برخورد قاطعانه، مجازات یا کیفر عملی با تخلفات و افراد خطاکار	- دعوت به تقوای الهی (نامه ۴۱ و نامه ۴۳) - تهدید و صدور فرمان بازگرداندن اموال مسلمین به صاحبانش (نامه ۴۱) - عزل مدیران متخلف (نامه ۷۱) - مجازات افراد محتکر (نامه ۵۳)، مجازات تشهیر و کیفر با تازیانه (نامه ۵۳)

۳. تأمین امنیت سیاسی، نظامی، مرزی

امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آنها در مشارکت جهت تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی‌شان می‌باشد. (امام جمعه زاده، درجانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷) از آنجا که سرزمین‌های اسلامی همواره در معرض تهاجم دشمنان قرار دارند. لذا استقلال این جوامع، غالباً در معرض تهدید قرار می‌گیرد. (رضایی، ۱۳۹۸، ص ۱) در این صورت یکی

از ضروریات و واجبات برای حاکمان، آمادگی و برنامه‌ریزی دقیق و اصولی جهت دفاع از کشور، حفظ امنیت داخلی و خارجی در برابر باغیان و محاربان و پرورش چنین روحیه و قدرت مقاومت و مقابله‌ای در مردم کشور است. مورد اخیر چنان در تأمین امنیت نظامی حائز اهمیت است که نیروهای خود را به واسطه مجهز نبودن به این مورد به شدت توبیخ و سرزنش می‌کند (خطبه ۳۴) از طرفی یکی از مهم‌ترین وظایف دولت در راستای تحقق امنیت در بعد سیاست خارجی و روابط بین‌المللی، توسعه متوازن روابط با سایر کشورها است. گزاره‌های علوی در این باب منشور آموزشی خاصی در سیاست خارجی تنظیم نموده است تا حکومت بتواند مقتدرانه، هوشمندانه و فرصت طلبانه در عرصه سیاسی پیش رود و امنیت سیاسی کشور را تضمین نماید. این اصول عبارتند از:

۱. وفای به عهد

امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: (اگر پیمانی میان تو و دشمنت بسته شد، جامه وفا را بر عهد خویش بپوشان و تعهدات خود را محترم بشمار! و جان خود را سپر تعهدات خویش قرارده ... هرگز پیمان شکنی مکن، و در عهد خود خیانت روا مدار، و دشمنت را مفریب) (نامه ۵۳، فی ظلال نهج البلاغه، ۱۳۵۸، ج ۴، ص ۱۱۲)

۲. تقویت و توسعه وحدت و انسجام در ابعاد مختلف سیاست خارجی

(هرگز آشتی و صلحی که دشمن به تو پیشنهاد می‌کند و رضای خدا در آن است، رد مکن، زیرا آشتی مایه آسایش سربازانت و آرامشی برای تو از غمها و امنیت برای سرزمینت است.) (نامه ۵۳)

۳. دفاع مقتدرانه در برابر هجوم دشمنان

یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت در راستای تحقق بخشیدن به نظام جهادی و دفاعی جامعه، شدت و برخورد نظامی در مواقعی است که گزینه‌های مصالحت‌آمیز کارایی نداشته باشد. چنانکه می‌فرماید: (من بارها جنگ با معاویه را بررسی کرده‌ام، و پشت و روی آن را سنجیده، دیدم راهی جز پیکار، یا کافر شدن نسبت به آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله آورده باقی نمانده است.) (خطبه ۴۳)

موضع دیگر این بحث تأمین امنیت مرزهای جغرافیایی است. مرزهای یک کشور نشانگر پایان سرزمین یک دولت است که قلمرو سیاسی و حقوقی و.. آن جامعه را تعیین می‌کند. (لنگرودی، ۱۳۷۹، ص ۶۱) بنابراین منظور از امنیت مرزی آن است که مرزهای جغرافیایی دولت از تعرض دشمن مصون باشد تا بیگانگان نتوانند به جان، حیثیت و مال مردم آن جامعه تعرض و دست‌درازی کنند. مسئولیت اصلی تأمین این نوع امنیت بر عهده قوای حاکمه و حاکمان می‌باشد.

امنیت در مرزها ممکن است حداقل به دو شکل از سوی دشمنان دچار ناامنی شود.

۱. تهاجم تمام عیار در قالب جنگ که از آن به تهدید سخت تعبیر می‌شود و هدف آن در اکثر مواقع، براندازی نظام حاکم است.
۲. یورش‌های ناگهانی، هجوم‌های مقطعی و یا شبیخون که هدف عمده این شکل از حملات، ایجاد ترس، دلهره و وحشت در دل مردمان و مخدوش ساختن و ایجاد ضعیف در پایه‌های رژیم است که این حملات گاهی به نوبه خود می‌تواند مقدمه‌ای برای جنگ تمام عیار و سخت باشد. امیرالمومنین علی علیه السلام در دوران حکومت خویش به کرات با نوع دوم حملات مواجه می‌شد. (خطبه ۲۷، ۶۸، نامه ۳۶) از منظر امام علی علیه السلام ارتشیان و سپاهیان یکی از پایه‌ها و ارکان مهم در تأمین امنیت مرزها و راه‌های کشور هستند لذا حفاظت کشور از هجوم بیگانگان و دشمنان را از وظایف مرزداران و پاسداران در این عرصه برمی‌شمرد. ایشان در نامه ۵۳ در تبیین این وظیفه می‌فرماید: «فَالْجُنُودُ بِأَذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ» امام علی علیه السلام در این چند عبارت ضمن بیان مفهوم مورد نظر خویش، پیوست ساختاری و شبکه‌ای این امنیت با دیگر ابعاد امنیت را این چنین به تصویر می‌کشد. (۱) امنیت داخلی: حُصُونُ الرَّعِيَّةِ (۲) امنیت سیاسی وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ (۳) امنیت اعتقادی: وَ عِزُّ الدِّينِ (۴) امنیت اقتصادی: وَ سُبُلُ الْأَمْنِ (۵) امنیت اجتماعی: وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ. (خان احمدی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۴) در سنت علوی، همه مردم دارای حرمت و کرامت هستند نه فقط پیروان آیین و دین خاص؛ لذا زمانی که خبر شکسته شدن حریم امنیت مردم در شهر انبار و سستی مرزداران در دفاع از مرزها و تعرض گروه غارتگر معاویه و تجاوز به حریم زنی غیر مسلمان به حضرت رسید امام علیه السلام اتفاق روی داده در شهر انبار را فاجعه نامید و درباره زنان غیر مسلمان که در برابر به در کردن خلخال از گردن و دست و پایشان، جز زاری و طلب رحمت نمی‌توانستند کاری کنند فرمود: «اگر از این پس مرد مسلمانی از غم چنین حادثه بمیرد، چه جای ملامت است که در دیده من شایسته چنین کرامت است.» (خطبه ۲۷) هم‌چنین در این خطبه آمده است امام علی علیه السلام در برابر شکسته شدن حریم امنیت مردم در شهر انبار و سستی مرزداران در دفاع از مرزها، به شدت برآشفته و ضمن توبیخ شدید مرزداران به واسطه فقدان آمادگی نظامی، ضعف فرماندهی، کوتاهی در انجام



وظایف محوله، نادیده گرفتن سازماندهی و آموزش‌های نظامی، پیامدهای این تهاجم یعنی ایجاد رعب و وحشت در دل شهروندان، القاء به دشمنان بابت وجود ضعف در پایه‌های نظام و مختل نمودن امنیت نظام را تبیین نموده و در نهایت ضمن نهادینه نمودن فرهنگ جهاد و شهادت، مرگ را از پذیرفتن چنین ذلتی سزاوارتر می‌داند. هم‌چنین زمانی که کمیل بن زیاد: فرماندار امام علیه السلام بر «هیت» به جای آنکه در برابر دشمن مقاومت کرده و از حوزه مرزی خود دفاع کند آنجا را وانهاد و به «قرقیسیا» که در فرمان معاویه بود حمله برده بود وی را به خاطر ضعف فرماندهی وی که به اختلال در حوزه‌های مختلف نظام سیاسی منجر شده بود به شدت توبیخ و سرزنش می‌نماید. (نامه ۶۱) بر مبنای این متون، وظایف حکومت در تأمین امنیت مرزی، حداقل در سه بُعد با رویکرد داخلی و خارجی باید اتفاق بیافتد:

۱. حفظ کشور از هجوم بیگانگان

۲. حفاظت از راهها و مرزها و ایجاد امنیت داخلی برای کلیه اقشار و مذاهب تحت لواء جامعه

۳. مسئولیت‌پذیری و پایبندی به انجام وظایف محوله

به فرموده امام علی علیه السلام پیش زمینه این سه بُعد، نهادینه نمودن فرهنگ جهاد دفاعی، تجهیز و پشتیبانی مجاهدان، سازماندهی، آموزش و تعلیمات نظامی و ایجاد آمادگی رزمی، تعیین فرماندهان مقتدر و عدم سستی نیروهای مسلح (خطبه ۲۷، ۲۹، ۳۴، ۳۹) است. علاوه بر موارد فوق، در بُعد امنیت سیاسی و نظامی، امام علی علیه السلام معیارها و خطوط کلی تعیین نموده و مسئولین نظام را ملزم به رعایت آنها نموده است بدین معنا که تحقق امنیت سیاسی منوط به اتخاذ هرگونه تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اقدام سیاسی مبتنی بر این خطوط، معیارها و مبانی است. مهم‌ترین این معیارها عبارتند از:

۱. قانون‌گرایی و حفظ حدود الهی

یکی از خطوط حاکم بر اندیشه امام علی علیه السلام، قانون‌گرایی، مرزبانی و حفظ حدود الهی، حرمت‌ها و کرامت‌ها به ویژه در مناسبات، اقدامات و روابط سیاسی است. بدین معنا که هیچ شخصی حق ندارد خود را فراتر از حریم‌ها و مرزها و بالاتر از قانون فرض کرده و حدود الهی، قوانین مرزها و حریم‌ها را بشکند. امام علی علیه السلام در بیان پایبندی خود به رعایت این وظیفه می‌فرماید حاضر نمی‌شود حتی با فرض تحمل مشقت‌بارترین شکنجه‌ها، و یا در مقابل وسوسه‌برانگیزترین پیشنهادات، ذره‌ای مرزشکنی کرده و حدود الهی را تعطیل کند. (خطبه ۲۲۲) سبک رفتاری آن حضرت علیه السلام در دوره

غارات و سفارش‌های وی به جاریه بن قدامه زمانی که وی را برای دفع گروه‌های غارتگر قاسطین اعزام می‌نمود، نیز نشان از میزان پابندی ایشان و نقش کاربردی این مهم در تأمین امنیت سیاسی دارد. (ابن هلال الثقفی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۲۸)

۲. بستری سازی در ایجاد و رشد تعارض کارکردی

پاسدداشت حقوق مردمان در ابراز دیدگاه‌ها و عقاید و به عبارتی بستری سازی جهت ایجاد و گسترش تعارض کارکردی به معنای وجود دستگاه سیاسی که در آن مردم آزادانه و بدون وحشت و ترس بتوانند مواضع خود را در ابعاد مختلف و بخصوص دیدگاه‌های سیاسی و باورهای خود را در چارچوب قوانین موجود بیان کنند. (محمدی، خلیلی، ۱۴۰۱، ص ۱۵۱) موضوعی است که بتواند اقشار مختلف جامعه را وادار به تجدید نظر و ارزیابی مجدد اهداف و اقدامات خود کند، کیفیت تصمیمات و راه‌حل‌ها را بهبود بخشد، باعث کاهش فشارهای روانی و تنش‌های درون‌گروهی شود و در نهایت پدیده تحول را تقویت کند. بنابراین این تعارض، زمینه و عامل نظام بخش بسیاری از امور خواهد بود. (سیدعامری، ۱۳۸۸، ص ۸۰-۶۷، رایبیز، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۳۶-۷۳۵) امام علی علیه السلام فنون مختلفی را در ایجاد و تحریک تعارض کارکردی از جمله: ضرورت انتقادپذیری مسئولین و بستر سازی در ضرورت انتقاد بدون تملق و چاپلوسی از کلیه قوا (خطبه ۲۱۶) ایشان این مطلب را یکی از حقوق مردم بر حکومت می‌داند و مقدمه تحصیل آن را آموزش و تعلیم و تربیت مردم توسط حکومت برمی‌شمرد. (خطبه ۳۴)

۳. عدم احتجاب

حضرت علی علیه السلام احتجاب به معنای عدم ارتباط مستقیم با مردم، فاصله افتادن بین حاکمان، زمامداران و مسئولان با مردم و خود را از مردم جدا کردن، را تهدید کننده امنیت سیاسی برمی‌شمرد و در این رابطه در نامه‌ای خطاب به یکی از فرماندارانش؛ به نام قُتَم بن عباس می‌فرماید: (در بامداد و شامگاه در یک مجلس عمومی با مردم بنشین، آنان که پرسش‌های دینی دارند با فتواها آشنایشان بگردان، و ناآگاه را آموزش ده، و با دانشمندان به گفتگو پرداز، جز زبانت چیز دیگری پیام رسانت با مردم، و جز چهره‌ات در بانی وجود نداشته باشد، و هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان، زیرا اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود، دیگر تو را نستاید گرچه در پایان حاجت او برآورده شود. (نامه ۶۷) امام علی علیه السلام هم‌چنین در عهدنامه خود خطاب به مالک اشتر در دستوری مشابه به تشکیل محافل





عمومی و ایجاد فضایی که مردم با صراحت و بدون ترس و لکنت زبان، نظرات‌شان را ابراز و درخواست‌ها و مطالب خود را مطرح کنند امر می‌فرماید. (نامه ۵۳) یکی از طرح‌های قابل ذکر امام علی علیه السلام جهت ارائه دیدگاه‌ها و گزارش‌های مردمی که به نظر می‌رسد شیوه‌ای بدیع و ابتکار ایشان است (فزاری قلقشندی، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۱) استفاده از سیستم بیت القصص (خانه شکایات یا گزارش‌ها) بود که مردم بتوانند نظرات مکتوب خود را بدون دغدغه و بدون نیاز به چهره به چهره شدن در آن بیندازند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۷، ج ۱۷، ۸۷؛ شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۵۸۹؛ ابن عبدربه اندلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۹)

۴. دفاع از مظلومان و برقراری عدالت قضائی، حقوقی و...

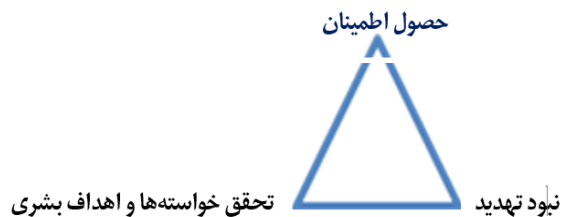
از منظر حضرت علی علیه السلام، نظام سیاسی و نهادهای اجتماعی در هر جامعه‌ای تنها در ساختار عدالت و تأمین آن است که می‌تواند باقی مانده و به فعالیت و حیات خود ادامه دهد. لذا ایشان همواره رعایت عدالت را ضامن امنیت و حفظ نظام و مایه روشنی چشم زمامداران و رسوخ محبت آنان در دل مردم دانسته و می‌فرماید: «وَإِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ، وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ. وَإِنَّهُ لَا تَنْظَهُرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةِ صُدُورِهِمْ، وَلَا تَصِيحُ نَصِيحَتُهُمْ إِلَّا بِحَيْطُوتِهِمْ عَلَى وِلَاةِ الْأُمُورِ، وَقِلَّةِ اسْتِثْقَالِ دَوْلِهِمْ، وَتَرْكِ اسْتِبْطَاءِ انْقِطَاعِ مَدَّتِهِمْ» (نامه ۵۳) بنابراین از جمله تأثیرات کارکردهای عدالت در جامعه و نظام سیاسی و عدل محوری نظام سیاسی این است که چنین رویکردی سبب می‌شود که مردم برای رسیدن به آرمان‌ها و خواسته‌های خود راه‌های منطقی را انتخاب نمایند و در غیر این صورت، یأس از عدالت، انسان‌ها را به نیرنگ، سوء استفاده و خلاف کاری و تضعیف اخلاق عمومی و از هم‌پاشیدگی اجتماعی می‌کشاند که خواه‌ناخواه نتیجه آن، تزلزل در امنیت و ثبات سیاسی نظام حاکمه و دولت خواهد بود. از طرفی پیشه ساختن رویکردی عدالانه به حفاظت از دولت و بقای آن می‌انجامد. «مَنْ عَمِلَ بِالْعَدْلِ حَصَّنَ اللَّهُ مُلْكَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۰) در مقابل، اگر عدالت در جامعه اجرا نشود، ظلم و ستم، جای آن را خواهد گرفت و جامعه گرفتار ظلم هرگز امنیت نخواهد یافت. لذا حضرت علیه السلام، خطاب به یکی از والیان خود به نام زیادبن ابیه زمانی که وی را به جای عبدالله بن عباس، به فارس و شهرهای پیرامون آن حکومت داد می‌فرماید: (عدالت را بگستران، و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم رعیت را به آوارگی کشاند، و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد) (حکمت ۴۷۶) علاوه بر مستندات ارائه شده، امام

علی علیه السلام در نامه ۹ نهج البلاغه متذکر می‌شوند این امنیت نیز هم‌چون موارد پیشین با دیگر ابعاد امنیت، بیوست ساختاری و شبکه‌ای دارد. ایشان جهت تقویت انگیزه حاکمان، در تأمین امنیت نظامی، گوشه‌ای از تهدیدات و پیامدهای همه‌جانبه آن را ترسیم می‌نماید: (فَأَرَادَ قَوْمُنَا قَتْلَ نَبِيِّنَا، وَ اجْتِيَا حَ أَصْلِيْنَا، وَ هَمُّوا بِنَا الْهُمُومَ وَ فَعَلُوا بِنَا الْأَفَاعِيلَ، وَ مَنَعُونَا الْعَذْبَ، وَ أَحْلَسُونَا الْخَوْفَ، وَ اضْطَرُّوْنَا إِلَى جَبَلٍ وَعْرٍ، وَ أَوْقَدُوا لَنَا نَارَ الْحَرْبِ)

- (۱) تهدید امنیتی (ترور): فَأَرَادَ قَوْمُنَا قَتْلَ نَبِيِّنَا (۲) تهدید اعتقادی: وَ اجْتِيَا حَ أَصْلِيْنَا، (۳) تهدید سیاسی: وَ هَمُّوا بِنَا الْهُمُومَ وَ فَعَلُوا (۴) تهدید فرهنگی اجتماعی: بِنَا الْأَفَاعِيلَ، وَ مَنَعُونَا الْعَذْبَ، وَ أَحْلَسُونَا الْخَوْفَ. (۵) تهدید اقتصادی: وَ اضْطَرُّوْنَا إِلَى جَبَلٍ وَعْرٍ. (۶) تهدید نظامی: وَ أَوْقَدُوا لَنَا نَارَ الْحَرْبِ.

بحث و نتیجه گیری

حکومت مجموعه‌ای از سازمان‌های اجتماعی است که عمده‌ترین آرمانش، توسعه، آبادانی و رشد و تعالی، مقابله با انواع مفاسد، ایجاد و گسترش رفاه عمومی است. مقوله‌ای که دستاورد آن آرامش خاطر و آسودگی اعضای جامعه است و این اطمینان و آرامش در برابر خوف و فقدان دلهره و بیم و هراس، آرمانی است که اهل فن از آن به «امنیت» تعبیر می‌کنند. در واقع «عدم خوف» محور معنایی امنیت از حیث لغوی می‌باشد. بررسی گزاره‌های علوی نشان می‌دهد توصیف وضعیت امن و حصول آن بر سه محور استوار است:



آنچه در راس این هرم قرار می‌گیرد حصول اطمینان است که مقصود از آن تأمین امنیت در چارچوب نیازهای مادی و معنوی است. بر این مبنا، از منظر امام علی علیه السلام منظور از تهدیدات امنیتی در معرض خطر قرار گرفتن ارزش‌ها و منافع حیاتی اعم از مادی و معنوی است. لذا در گفتمان علوی مواجهه با تهدیدات امنیتی به دو شکل کلی اتفاق می‌افتد:

۱. مواجهه با تهدید پیش از وقوع آن (مواجهه رفعی، پیشگیری)

۲. مواجهه با تهدید پس از وقوع آن (مواجهه دفاعی)

علاوه بر این دسته‌بندی کلی، امیرالمومنین علی علیه السلام در راستای رفع تهدیدات داخلی و خارجی و تأمین امنیت در هر کدام از ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نظامی راهکارهایی ارائه می‌نماید. بر اساس مستندات ارائه شده از نهج البلاغه در متن پیش‌رو عمده‌ترین و مهم‌ترین وظایف تعریف شده برای حاکمان عبارتند از:

عرصه‌های ماموریتی حکومت جهت تحقق امنیت فرهنگی:

۱. پاسداشت و حفظ سنت‌های اسلامی و سنن صالح پیشین و مقابله با بدعت‌ها و تهاجمات فرهنگی مخرب
۲. زدود خرافات، اوهام، عقائد باطل و نجات و رهایی مردم از سنت‌های دست و پاگیر جاهلی
۳. هوشیاری، روشنگری و خنثی‌سازی شایعات دروغین و سم‌پاشی‌ها بر ضد حاکم اسلامی
۴. احیا حریت و آزادی در اندیشه و ایجاد فضای امن برای منتقدان
۵. آموزش و فرهنگ‌سازی (تدوین سیستم آموزشی مستقیم و گسترش فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی)
۶. تنقیح، تهذیب و پالایش رسوم و ارزش‌های اخلاقی

عرصه‌های ماموریتی حکومت جهت تحقق امنیت اقتصادی

در عرصه امنیت اقتصادی، حکومت مکلف به تأمین نیازهای اساسی افراد جامعه خویش و مقاومت در برابر فشارها و تهدیدات اقتصادی درونی و بیرونی است. از این‌رو ملزم به الگوبرداری در برون‌رفت از تنگنای اقتصادی و نیز ارائه نظریه در عرصه‌های جدید اقتصادی و بعضاً بازنگری مجدد وظایف و مسئولیت‌های اقتصادی خویش می‌باشد آنچه از فرازهای مختلف نهج البلاغه برمی‌آید را می‌توان در ابعاد ذیل دسته‌بندی نمود:

۱. برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی و راهبردهای دقیق و عملیاتی بر پایه توانایی‌ها و امکانات

کشور

۲. ورود به سه عرصه: تولید، توزیع و مصرف و افزایش اثربخشی در این سه حوزه
۳. مقابله با مفسد اقتصادی در قالب دو شیوه مواجهه رفعی و دفاعی (اقدامات گزینشی، نظارتی، کیفی)

هر کدام از این عرصه‌ها، فعالیت و وظایف خاصی را برای حکومت اقتضا می‌کند.

عرصه‌های ماموریتی حکومت جهت تحقق امنیت سیاسی

امنیت سیاسی و نظامی در چارچوب امنیت داخلی و امنیت خارجی معنا می‌یابد. امنیت اجتماعی نیز به دنبال ایجاد امنیت و آسایش زیست جمعی و مدنی افراد از طریق قوانین و اقامه نظم و حکومت است. دستیابی به چنین امنیتی مستلزم تأمین امنیت سیاسی و نظامی است. بنابراین امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو حکومتش اولاً از طریق مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و ثانیاً از طریق تضمین حقوق سیاسی افراد جامعه و در مسائل داخلی و از طریق حکومتی مردم‌سالار محقق خواهد شد. نهایت اینکه ثبات سیاسی، محصول امنیت سیاسی و در اصل ناظر به وجود توازن بین «خواست‌های مردمی» از يك سو و «کارویژه‌هایی حکومتی» از سوی دیگر می‌باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵، ص ۲۹) این وظایف را می‌توان بر مبنای خطبه‌های ۴۷۶، ۲۷، ۳۴، ۱۳۱، ۲۱۶، ۲۲۴ و مستندات پیشین در موارد ذیل ادغام نمود:



عرصه‌های ماموریتی حکومت جهت تحقق امنیت خارجی

تأمین وسایل دفاعی و ابزار نظامی

تجهیز و پشتیبانی مجاهدان

سازماندهی آموزش‌های نظامی

تحکیم مرزها

تعیین فرماندهان مقتدر

نهادینه نمودن فرهنگ جهاد و شهادت

ایجاد سرویس‌های اطلاعاتی

عرصه‌های ماموریتی حکومت جهت تحقق امنیت داخلی

قانون‌گرایی و حفظ حدود الهی

پاسداشت حقوق مردمان در ابراز دیدگاه‌ها و انتخاب عقیده

گزینش فرماندهان و مسئولین وظیفه‌شناس، متعهد و مقتدر

عدم احتجاج

دفاع از مظلومان و برقراری عدالت قضائی، حقوقی و...



منابع

- نهج البلاغه، بی تا، تدوین: سیدرضی، محمدبن الحسین، تصحیح: صبحی صالح، قم: موسسه دار الهجره.
۱. ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد، ۱۳۷۷ ش، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی.
 ۲. ابن بابویه القمی، محمد بن علی، ۱۴۰۰ ق، امالی، اعلمی، بیروت.
 ۳. ابن عبدربه اندلسی، أحمدین محمدبن عبدربه، ۱۴۰۴ ق، العقد الفريد، بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۴. أبو اسحاق ابراهیم بن محمد الکوفی (ابن هلال الثقفی)، ۱۴۰۷ ق، الغارات، تحقیق و تعلیق السید عبد الزهراء الحسینی الخطیب، بیروت: دار الاضواء.
 ۵. ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، ۱۳۰۲ ق، کتاب الخراج، بیروت: دارالمعرفه.
 ۶. ابوعبیده، قاسم بن سلام، ۱۴۲۰ ق، کتاب الاموال، بیروت: چاپ محمد خلیل هراس.
 ۷. احمد بن فارس، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۸. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۵ ش، امنیت در نظام سیاسی اسلامی، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
 ۹. افریقی مصری، جمال الدین محمد (ابن منظور)، ۱۴۰۸ ق، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۰. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ۱۳۶۲ ش، شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، (بی جا)، دفتر نشر کتاب.
 ۱۱. بلیس جان و استیو اسمیت، ۱۳۸۳ ش، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، ترجمه: ابوالقاسم راه چمنی، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
 ۱۲. بوزان، باری، ۱۳۷۸ ش، مردم، دولت‌ها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶ ش، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات.
 ۱۴. حکیمی محمدرضا، حکیمی محمد علی، ۱۳۸۰ ش، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۵. رایینز، استیفن پی، ۱۳۷۴ ش، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.



۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داود، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
۱۷. الزبیدی، مرتضی، (محمد بن محمد)، ۱۳۹۹ ش، *تاج العروس من جواهر القاموس*، محقق و مصحح: شبیری، علی، (بی تا)، بیروت: دار الفکر.
۱۸. ژان ژاک روسو، ۱۴۰۳ ش، *قرارداد اجتماعی*، مترجم: مرتضی کلاتریان، تهران: آگاه.
۱۹. شوشتری، محمد تقی، ۱۳۷۶ ش، *بهبه الصباغه فی شرح نهج البلاغه*، تهران: امیرکبیر.
۲۰. صدوق، ابن بابویه قمی (محمد بن علی بن حسین)، ۱۴۰۴ ق، *من لایحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ق، *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۲. فزازی قلقشندی، أحمد بن علی، بی تا، *صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۳. قمی، عباس، ۱۴۱۴ ق، *سفینه البحار*، قم: اسوه.
۲۴. کراجکی، ابوالفتح، ۱۴۱۰ ق، *کنز الفوائد*، قم: دار الذخائر.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ ش، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۲۶. مازندرانی، ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ ش، *مناقب آل ابیطالب*، نجف: المطبعة الحیدریة.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسه الوفا.
۲۸. محمد بن علی بن شهر آشوب، ۱۴۰۵ ق، *مناقب آل ابی طالب (مناقب ابن شهر آشوب)*، بیروت: دار الاضواء.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، ۱۴۱۶ ق، تحقیق دار الحدیث، قم: دار الحدیث.
۳۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹ ش، *سیری در نهج البلاغه*، تهران: صدرا.
۳۱. معین، محمد، ۱۳۸۶ ش، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: میلاد.
۳۲. مغنیه، محمد جواد، ۱۳۵۸ ش، *فی ظلال نهج البلاغه*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵ ش، *پیام امام امیرالمؤمنین علی*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ ش، *زندگی در پرتو اخلاق*، قم: سرور.
۳۵. نراقی، ملا احمد، ۱۳۸۷ ش، *معراج السعاده*، قم: آل طه.
۳۶. الهی، بهرام، ۱۳۷۹ ش، *معنویت یک علم است*، مترجم: فرزاد یمینی، تهران: انتشارات جیحون.



۳۷. وینسنت، اندرو، ۱۳۷۶ش، *نظریه‌های دولت*، مترجم: حسین بشیریه، تهران: نی.
- مقالات
۳۸. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۶ش، امنیت و ابعاد آن در قرآن، *فصلنامه علمی اصول فقه*، ۳۹(۱)۱۱-۳۸.
۳۹. امام جمعه زاده، سید جواد؛ درجانی، حسین، ۱۳۸۹ش، امنیت در اسلام، مبانی و قالب‌های فکری، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، سال دوم، شماره ۵.
۴۰. بابالیان، مجید؛ رادین، علیرضا، ۱۳۹۳ش، امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی از منظر نهج البلاغه، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۰، (۱۰۱)
۴۱. حجازی، فخرالدین؛ مشایخ فریدنی، محمدحسین؛ مشکینی، علی، ۱۳۶۳ش، *یادنامه دومین کنگره نهج البلاغه*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی و بنیاد نهج البلاغه.
۴۲. خان احمدی، اسماعیل، ۱۳۹۴ش، امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه، *فصلنامه علمی پژوهشی آفاق امنیت*، شماره پانزدهم، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، ۵(۱۵)۱۴۹-۱۸۷
۴۳. رضایی، احد بهزاد، ۱۳۹۸ش، وظایف حکومت اسلامی در دفاع و ایجاد امنیت در سرزمین اسلامی، *اولین همایش ملی حکمرانی*، تهران.
۴۴. سیدعامری، میرحسن، ۱۳۸۸ش، «تبیین رابطه سبک‌های مدیریت تعارض (بین فردی) با روحیه و رضایت شغلی مربیان ورزشی اداره تربیت بدنی شهر ارومیه»، *پژوهش در علوم ورزشی*، ۱(۲۲)، ۶۷-۸۰
۴۵. لنگرودی، حسن، ۱۳۷۹ش، امام علی علیه السلام و امنیت ملی، *فرهنگ کوثر*، ۴۸(۶۱-۶۴)
۴۶. محمدی، روح‌الله؛ خلیلی، رقیه، مدیریت تعارض از منظر نهج البلاغه، *فصلنامه علمی پژوهش‌های نهج البلاغه*، ۲۱(۲)۱۴۱-۱۶۳.